

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

# قصه نویسی

ویژه دانش آموزان متوسطه اول و دوم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

## سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...) می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیامهایی که بدون این فعالیتها میسر نیست، و البته فراموش نمی کنیم که کلاسهای داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکانمان را هر چه زیباتر، رنگارنگتر و غنیتر کنیم و با قدرت داستان نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آنها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

تحلیل یک قصه بر اساس کوه داستان شش مرحله‌ای

معلم عزیز با توجه به درس جلسه گذشته داستانی از کتاب درسی و یا کتاب‌های کانون پرورش فکری انتخاب کنید. از قصه‌ی زیر نیز می‌توانید استفاده کنید:

«در یک شهر کوچک دختری باهوش و کنجکاو به نام ندا، در کتابخانه کار می‌کرد. او عاشق خواندن کتاب‌های تاریخی و جادوگری بود و علاقه‌ی زیادی به ماجراجویی‌های جدید داشت. (شروع) یک روز، ندا در حین مرتب کردن کتاب‌ها، به یک کتاب قدیمی و خاک‌خورده برمی‌خورد. وقتی کتاب را باز می‌کند، متوجه می‌شود که صفحات آن خالی است، اما ناگهان کلمات شروع به ظاهر شدن می‌کنند و او را به دنیایی جادویی دعوت می‌کنند. (رویداد غیر منتظره) ندا با تعجب و هیجان به دنیای جادوگری وارد شد. او در این دنیا با موجودات عجیبی آشنا شد. یکی از آن‌ها جادوگر جوانی به نام آریا بود. او به ندا گفت که کتاب قدیمی، کلید نجات دنیای جادوگری است و تنها کسی که می‌تواند به آنها کمک کند، نداست. (مقدمه چینی) ندا متوجه می‌شود که یک جادوگر تاریک در تلاش است تا قدرت جادو را برای خود به دست آورد و کتاب را نابود کند. ندا و آریا باید به دنبال کریستال جادویی بگردند که تنها راه مقابله با جادوگر تاریک است. در مسیر، آن‌ها با چالش‌های مختلفی مواجه می‌شوند. (مشکل و نقطه‌ی اوج) در نهایت، ندا و آریا به قلعه جادوگر تاریک می‌رسند. ندا با استفاده از دانش و توانایی‌هایش و همچنین با کمک آریا، جادوگر تاریک را شکست می‌دهد و کریستال جادو را به دست می‌آورد. با قدرت کریستال، او می‌تواند کتاب را نجات داده و همین‌طور دنیای جادوگری را از خطر نجات دهد. (فرود و گره‌گشایی) پس از آن، ندا به دنیای خود بازمی‌گردد. او تصمیم می‌گیرد که به نوشتن داستان‌های جادویی بپردازد و ماجراهایی که تجربه کرده را بنویسد. (پایان)»

بر اساس کوه شش مرحله‌ای سوالاتی از دانش‌آموزان پرسید:

شروع: چگونه داستان آغاز می‌شود و چه زمینه‌ای برای خواننده فراهم می‌کند؟ داستان حول چه موضوعی می‌چرخد؟ چه شخصیت‌هایی در داستان وجود دارند و چه نقشی ایفا می‌کنند؟ داستان در کجا و چه زمانی اتفاق می‌افتد؟ جمله‌ی اول داستان چیست؟ آیا جمله‌ی خوب و تاثیرگذاری است؟

رویداد غیر منتظره: درگیری اصلی چرا و چگونه ایجاد می‌شود یعنی چه اتفاقی می‌افتد که باعث تعارض می‌شود؟ چه حادثه یا رویدادی باعث تغییر ناگهانی در مسیر داستان و شخصیت می‌شود؟

ساختن / مقدمه چینی: چه اتفاقاتی قبل از درگیری بزرگ رخ می‌دهد؟

مشکل / بلا تکلیفی: آیا مشکل به‌طور واضح در ابتدای داستان مشخص می‌شود؟ آیا مشکل شخصی، اجتماعی یا جهانی است؟ آیا شخصیت‌ها، محیط یا رویدادهای خاصی در شکل‌گیری مشکل نقش دارند؟ آیا مشکل ناشی از انتخاب‌های نادرست شخصیت‌هاست؟ آیا شخصیت‌ها در برابر مشکل مقاومت می‌کنند یا سعی در حل آن دارند؟ به نظر شما راه مناسب برای حل این مشکل چیست؟

فرود یا گره گشایی: چه اقداماتی توسط شخصیت‌ها انجام شد که منجر به حل مشکل شد؟ کدام شخصیت‌ها بیشتر در روند گره‌گشایی مؤثر بودند و چه نقشی ایفا کردند؟ گره‌گشایی چگونه بر رشد یا تغییر شخصیت‌ها تأثیر گذاشت؟ گره‌گشایی چه احساسی در شما ایجاد کرد؟ رضایت یا نارضایتی؟

پایان یا نتیجه‌گیری: چگونه داستان به پایان می‌رسد و پیام یا نتیجه‌گیری آن چیست؟ پایان داستان راضی‌کننده است؟ پیشنهاد بهتری هم دارید؟ بنظرتان ندا چه تغییر کرد؟

### قهرمان و ضد قهرمان

قهرمان و ضدقهرمان (شورور)، مهم‌ترین شخصیت‌های یک قصه هستند. تمام ماجراها حول محور آن‌ها می‌چرخند. نیاز آن‌ها و تلاششان برای برطرف کردن آن، داستان ما را می‌سازد. بار دیگر در این درس آن‌ها را مرور می‌کنیم و جایگاهشان را در قصه بررسی خواهیم کرد.

قهرمان همان شخصیت اصلی است. او علایق و اهداف منحصر به فرد خودش را دارد. داستان از جایی شروع می‌شود که او نیازی در خود حس می‌کند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کند.

ضدقهرمان، شخص دیگری است که همانند قهرمان، دارای علایق و اهداف است. اما نیاز و هدف او با قهرمان در تضاد است. به همین خاطر بین آن‌ها تقابل شکل می‌گیرد. برای مثال، ممکن است قهرمان یک شانه به سر باشد که می‌خواهد سنگ را از مسیر رودخانه بردارد تا آن را از خشک شدن نجات بدهد. اما ضدقهرمان یک خرس است که از بودن سنگ در مسیر رودخانه سود می‌برد. زیرا باعث می‌شود ماهی‌های زیادی آن‌جا جمع شوند.

یا قهرمان می‌تواند دختر بچه‌ای باشد که می‌خواهد شهر قصه‌ها را از دست هیولایی که قصه‌ها را خراب می‌کند نجات بدهد. اما هیولا یا همان ضدقهرمان می‌خواهد قصه‌ها را خراب کند تا قصه‌ی خودش در ذهن بچه‌ها بماند.

بنابراین در قصه‌ی مردی که می‌خواهد شهر را از چنگ موش‌ها نجات بدهد، مرد ناوایی که هدفش فروش نان بیشتر است، نمی‌تواند ضدقهرمان باشد. اما شخصی که تله‌ی موش می‌فروشد احتمالاً بتواند گزینه‌ی خوبی برای ضدقهرمان شدن باشد.

تاکید کنید که لازم است میزان اهمیت این دو نیاز و هدف، برای قهرمان و ضدقهرمان چیزی شبیه مرگ و زندگی باشد.

از بچه‌ها بخواهید از بین شخصیت‌های زیر، آن‌هایی که می‌توانند به عنوان قهرمان و ضدقهرمان در یک قصه استفاده شوند را انتخاب کنند.

- داورغ‌ای که شاه به او گفته اگر یک دزدی دیگر در شهر اتفاق بیافتد، جانش را می‌گیرد.
- گرگی که عاشق خوردن گوسفند است.
- مرد آهنگری که فقط بلد است سلاح بسازد و از این راه درآمد دارد.
- سگ گله، که تعصب خاصی روی گله دارد.
- وزیری که تلاش می‌کند جنگ را به پایان برساند و با کشورهای همسایه صلح کند.
- راهزنی که برای پولدار شدن به کاروان‌های تجاری دستبرد می‌زند.

### تمرین:

۱/ از بچه‌ها بخواهید یک قهرمان و ضدقهرمان خلق کنند. به آن‌ها بگویید دقت کنند که مانند الگوی فوق، نیاز و هدف آن‌ها باهم در تعارض باشد.

لازم است برای هر یک نیاز و هدف جداگانه‌ای طراحی شود و این اهداف و نیازها باهم در تضاد باشد. قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌ها را بخوانید و آن‌ها را باهم مقایسه کنید.

۲/ سپس برای هر یک از قهرمان و ضدقهرمان یک دوست، همراه و یا دستیار طراحی کنید. شخصیتی که به قهرمان یا ضدقهرمان کمک می‌کند تا به هدفش برسد. انگیزه‌های متفاوت این مساعدت، می‌تواند شخصیت آن‌ها را تعریف کند. درباره‌ی شخصیت‌ها و رابطه‌شان با قهرمان یا ضدقهرمان گفت‌وگو کنید.

۳/ از بچه‌ها بخواهید قصه‌ی قهرمان و ضدقهرمان و شخصیت‌های همراهشان را در خانه کامل کنند و هفته‌ی آینده با خود با کلاس بیاورند.